

به نام خدا

اروندروود و سیاست‌های منطقه‌ای

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	بررسی اجمالی پیشینه منازعات بر سر اروندرود
۵.....	اشغال عراق و اروندرود
۶.....	رژیم حقوقی حاکم بر اروندرود
۹.....	روندهای کلی امنیتی: ایران، عراق و اشغالگران
۱۲.....	اروندروود: دغدغه‌های امنیتی ایران، عراق و اشغالگران
۱۸.....	پیشنهاد‌های سیاستگذاری
۲۱.....	منابع و مآخذ

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۸۳۳۶

دفتر: مطالعات سیاسی

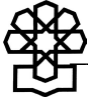
اردیبهشت ماه ۱۳۸۶



اروندرو و سیاست‌های منطقه‌ای

مقدمه

تجاوز ملوانان انگلیسی به حریم آب‌های سرزمینی ایران و به دنبال آن، دستگیری آن‌ها از سوی مرزبانان دریایی ایران، بار دیگر اروندرود را به کانون توجه جهانی مبدل ساخت. تعرض نظامیان انگلیسی به آب‌های ایران و حتی تعرض آن‌ها به حریم هوایی ایران در این اواخر، موضوع جدیدی نبوده است. نظامیان انگلیسی به بهانه‌های نامعقول و برخلاف مقررات حقوق بین‌المللی به آب‌های سرزمینی ایران تجاوز کردند. تعرض آن‌ها به گونه‌ای بوده است که به نظر می‌رسد می‌کوشیدند با تفسیر خودسرانه از وضعیت خاص منطقه، این قبیل اقدامات را به رویه‌ای طبیعی مبدل سازند و دستاویزی برای جاسوسی و زمینه‌سازی جهت خرابکاری در داخل ایران قرار دهند. اهمیت این موضوع آنگاه آشکار می‌شود که کشورهای عربی نیز هم‌نوا با اشغالگران، آزادی (در برخی مواقع فوری) نظامیان انگلیسی را از ایران درخواست کردند و متعاقباً درباره رژیم حقوقی حاکم بر اروندرود و پایایی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تشکیک وارد کردند. با توجه به محوریت بحث اروندرود در این تلاش می‌شود روندهای گذشته و حال در اروندرود در قالبی سیاسی - حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و برحسب این روندها، بایسته‌های سیاست خارجی ایران در این ناحیه شناسایی گردند.



اروندرو از به هم پیوستن دو رود دجله و فرات در نزدیکی شهر بصره شکل گرفته است و در حدود ۲۰۰ کیلومتر نیز طول دارد، انتهاالیه جنوبی این رود، مرز مشترک میان ایران و عراق را تشکیل می‌دهد، و سرانجام به خلیج فارس سرازیر می‌شود.

اروندرو یکی از عریض‌ترین رودهای قابل کشتیرانی در جهان است. عرض این رود از ۲۳۲ متر در شهر بصره تا ۸۰۰ متر در دهانه رود در مصب، متغیر می‌باشد. عمق اروندرود عمدتاً از ۱۵ تا ۳۵ متر است و گاهی تا ۴۵ متر نیز می‌رسد. از طرف دیگر، در داخل خاک ایران، رودخانه کارون - که دارای ذخایر آبی عظیمی است - به اروندرود می‌پیوندد. این وضعیت نیز میزان آب اروندرود را افزون‌تر می‌سازد، به‌گونه‌ای که در این رود، کشتی‌های بزرگ اقیانوس‌پیما قادر به حرکت می‌باشند.

اروندرو در سطح منطقه خلیج فارس پس از تنگه هرمز، استراتژیک‌ترین ناحیه این حوزه می‌باشد. قسمتی از اندک راه دسترسی آزاد به آب‌های عراق را تشکیل می‌دهد و در مرز استان نفت‌خیز خوزستان ایران واقع شده است.

بررسی اجمالی پیشینه منازعات بر سر اروندرود

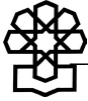
اختلافات بر سر حق حاکمیت بر اروندرود، پیشینه‌ای دراز دارد و همواره یکی از کانون‌های کشمکش قدرت میان کشورهای منطقه بوده است. با بررسی روندهای تاریخی در زمینه این مسأله، می‌توان دریافت که به دنبال تغییرات در میزان قدرت و نفوذ کشورهای ذی‌نفع، مرزهای مورد توافق سابق تغییر کرده‌اند و ترسیم مجدد



مرزها نیز با توجه به منافع و علایق قدرت‌های ذی‌نفع صورت گرفته است. بررسی تاریخی منازعات بر سر اروندرود نشان می‌دهد که کشمکش بر سر اروندرود سه دوره را به خود دیده است:

۱. دوره رقابت میان امپراتوری‌های منطقه: طرف‌های مناقشه در این دوره، سلسله‌های صفویه، افشار و زندیه و قاجاریه از یک‌سو و عثمانی‌ها از سوی دیگر بودند. مهم‌ترین پیمان مرزی در این دوره، معاهده ارض روم در سال ۱۸۴۷ میان پادشاهی قاجاریه و عثمانی‌ها بود. اما این عهدنامه رژیم حقوقی حاکم بر اروندرود را به صراحت بیان نکرده بود. تعیین خطوط مرزی در این دوره بیشتر براساس قلمرو قبایل و وفاداری‌های قبیله‌ای صورت گرفت.

۲. دوره نفوذ استعمارگران: در این دوره، که با حضور و نفوذ قدرت‌های بیگانه و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در زمینه ترسیم خطوط مرزی مقارن می‌باشد، نقاط ثابت جغرافیایی، به‌عنوان مبنای تعیین خطوط مرزی به‌کار گرفته شد؛ این شیوه، درست در نقطه مقابل رهیافت دوره قبل قرار می‌گرفت. در این دوره به‌دنبال فروپاشی شوروی و برقراری نظام قیمومت در عراق و البته نفوذ بیشتر انگلیس در هیأت حاکمه ایران، نقش استعمار انگلیس بیش از پیش برجسته‌تر گردید. در این دوره پروتکل ۱۹۱۳ به امضای طرفین (ایران و عثمانی) رسید و در واقع به‌نوعی به ایران تحمیل گردید. اما در سال ۱۹۳۷ نیز قراردادی میان ایران و عراق منعقد گردید که در واقع پروتکل ۱۹۱۳ را تأیید می‌کرد. پروتکل ۱۹۱۳ تمامی اروندرود را به جزء قسمت کوچکی در مقابل خرمشهر به دولت عثمانی واگذار نموده بود.



۳. دوره رقابت ناسیونالیستی: در این دوره همواره عراق تلاش می‌کرد با استناد به مختصات فرهنگی و جمعیتی متغیر در منطقه پیرامون اروندرود، به نفع خود استدلال کند. این دوره از سال ۱۹۶۹ که ایران عهدنامه ۱۹۳۷ را بی‌اعتبار اعلام کرد آغاز می‌شود و تا زمان اشغال عراق (۲۰۰۳) ادامه دارد. مبنای استدلال ایران در سال ۱۹۶۹ تغییر بنیادین اوضاع و احوال بود. این وضعیت تنش‌آمیز میان ایران و عراق با میانجیگری الجزایر و به موجب قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر پایان یافت ولی بعدها صدام آن را بهانه آغاز جنگ قرار داد و به ایران تجاوز کرد. عراق در هنگام حمله به ایران، عهدنامه ۱۹۷۵ را به‌طور یکجانبه فسخ کرد. در موضع‌گیری‌ها و اعلامیه‌های دولت عراق، دلایل و در واقع، ادعاهایی را برای این رویکرد مطرح شده است که عبارتند از:

الف) دلایل و ادعاهای ایدئولوژیک - تاریخی: حزب بعث عراق به مرزبندی میان دو مقوله ملی‌گرایی و پان عربیسم باور نداشت. از این‌رو یکی از آرمان‌های پان عربیسم حزب بعث، پشتیبانی از به اصطلاح «حقوق عربی» عرب‌های خوزستان بوده است. البته مقامات عراقی ادعاهای تدافعی را نیز مطرح ساخته‌اند و جلوگیری از صدور انقلاب ایران به عراق را یکی از دلایل فسخ عهدنامه اعلام کرده‌اند.

ب) دلایل و ادعاهای حقوقی: مهم‌ترین ادعاهای حقوقی عراق برای فسخ عهدنامه بدین شرح بوده است:

۱. عراقی‌ها مدعی بوده‌اند عهدنامه در شرایطی نابرابر انعقاد یافته است و از همان آغاز انعقاد، بی‌اعتبار است.

۲. از آن‌جا که عهدنامه یک کل غیرقابل تفکیک است، عراق با متهم ساختن ایران به مداخله در امور داخلی عراق اعلام کرده است نقض یکی از اصول یا مواد آن از



سوی ایران، بی‌اعتباری همه عهدنامه را در پی داشته است (یکی از شعارهای آغاز انقلاب، صدور انقلاب بود. به‌زعم عراقی‌ها، اولین آماج آن نیز عراق بود چرا که اکثریت جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند).

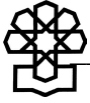
۳. عراقی‌ها برای فسخ عهدنامه، به توجیه تغییر اوضاع و احوال نیز متوسل شده‌اند و اعلام کرده‌اند که مرزها باید به وضعیت پیش از سال ۱۹۷۵ بازگردد.

در مورد ادعاهای حق تاریخی و ایدئولوژیک باید خاطرنشان ساخت دلایل تاریخی ایران برای حق حاکمیت بر اروندرود (و حتی ماورای آن)، بسیار محکم‌تر و موثق‌تر از ادعاهای عراق می‌باشد. در دوره ساسانی اروندرود جزئی از ایران بوده و حتی اولین سلسله ایرانی پس از اسلام (صفاریان) نیز بر خوزستان و ماورای آن حاکمیت داشتند. از سوی دیگر، هر انقلابی به‌صورت طبیعی تأثیرات خود را بر سرزمین‌های مجاور می‌نهد و کشورهای مجاور نیز طبیعتاً در برابر آن نه به تهاجم و هنجارشکنی، بلکه به سیاست‌های تدافعی روی می‌آورند. از این‌رو، مقابله پیشگیرانه با انقلاب، بهانه‌ای بیش نبوده است.

رژیم حقوقی حاکم بر اروندرود که براساس عهدنامه ۱۹۷۵ تدوین شده است، هیچ‌یک از ادعاهای حقوقی عراق را بر نمی‌تابد. ویژگی‌ها و اصول حاکم بر این رژیم حقوقی که در قسمت‌های بعدی خواهد آمد، این وضعیت را آشکارا نشان می‌دهد.

اشغال عراق و اروندرود

در تجاوز آمریکا و انگلیس به عراق در سال ۲۰۰۳، اروندرود یکی از مهم‌ترین اهداف نظامی نیروهای ائتلاف بود. با توجه به این‌که اروندرود راه دسترسی عراق به



آب‌های آزاد می‌باشد، تصرف آن از دو جهت برای اشغالگران اهمیت داشت: نخست این‌که امکان ارائه کمک‌های بشردوستانه به سایر نقاط عراق را فراهم می‌کرد و دوم این‌که از فعالیت‌های اقتصادی قاچاق جلوگیری می‌نمود. نیروهای نظامی انگلیسی در عملیات اشغال عراق، برای تصرف تأسیسات نفتی و کشتیرانی در بندر ام‌قصر واقع در شبه‌جزیره فاو به حمله‌ای آبی - خاکی دست زدند و از این طریق موفق شدند نواحی جنوب عراق را اشغال نمایند.

بعد از پایان جنگ نیز مسئولیت اداره امور جنوب عراق بر عهده انگلیس نهاده شد. انگلیس به موجب قطعنامه ۱۷۲۳ شورای امنیت، حراست از این آبراه و ناحیه پیرامون دهانه رودخانه در خلیج فارس را بر عهده گرفت. هدف از واگذاری این مسئولیت این بوده است که اطمینان حاصل شود کشتی‌های در حال تردد در این آبراه، تسلیحات به عراق وارد نکنند. البته نیروهای انگلیسی نیز واحدهای نیروی دریایی عراق را برای ایفای نقش حراست از آبراه‌ها آموزش داده‌اند.

رژیم حقوقی حاکم بر اروندرود

رژیم حقوقی فعلی اروندرود براساس پروتکل‌های عهدنامه الجزایر می‌باشد. با بررسی این عهدنامه می‌توان اصول ذیل را استخراج کرد:

۱. اصل تعیین حدود مرزی براساس خط تالوگ یا خط‌القعر (ماده ۱)،

۲. اصل قطعی بودن، تغییرناپذیری و همیشگی بودن خطوط مرزی (ماده ۵)،



۳. اصل آزادی کشتیرانی، (ماده ۷)؛ آزادی کشتیرانی موارد ذیل را در بر می‌گیرد:

- آزادی کشتیرانی برای کشتی‌های تجارتی، دولتی و نظامی طرفین در کلیه قسمت‌های رود،

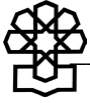
- آزادی کشتی‌های تجاری متعلق به طرف‌های ثالث در همه قسمت‌های رود براساس مساوات و عدم تبعیض،

- آزادی کشتیرانی برای کشتی‌های نظامی خارجی جهت بازدید از بنادر در هر یک از طرفین، مشروط بر این‌که اولاً اجازه قبلی کشور مربوط را اخذ نموده باشند و ثانیاً کشتی‌های مزبور به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه یا جنگ با طرف دیگر باشد، متعلق نبوده و مراتب را در مهلتی که از ۷۲ ساعت کم‌تر نباشد، به طرف دیگر اعلام کند.

۵. اصل قاعده‌مند نمودن کشتیرانی در رودخانه توسط طرفین بر مبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی دو دولت (بند «۱» ماده ۸)،

در این رابطه، کمیسیون مختلط در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵، موافقت‌نامه‌ای را تنظیم کرد که به امضای وزرای خارجه ایران و عراق رسید. این موافقت‌نامه، موضوعات ذیل را دربرمی‌گرفت: برنامه مشترک، دفتر مشترک هماهنگی، اقدامات مربوط به امنیت کشتیرانی، مقررات مالی، مقررات مربوط به صلاحیت، کنترل بهداشتی، نجات، راهنمایی کشتی‌ها، پرچم، قلمرو اجرائی و بالاخره حل و فصل اختلافات.

۶. اصل قاعده‌مند نمودن کنترل و پیشگیری از آلودگی رودخانه توسط طرفین (بند «۲» ماده ۸)،



۷. اصل همکاری در کلیه اموری که به‌نحوی مربوط به امنیت در مرز بین دو کشور باشند (پروتکل مربوط به امنیت).

در رژیم حقوقی فعلی اروندرود، ویژگی‌های ذیل اهمیتی اساسی دارند:

- نخست این‌که عهدنامه الجزایر بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از انعقادش هنوز به قوت خود باقی می‌باشد و به‌رغم وجود سه جنگ مهم در پیرامون این حوزه (جنگ ایران و عراق، اشغال کویت به‌وسیله عراق و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳) که تغییرات شگرفی در معادلات امنیتی و میزان قدرت طرف‌های ذی‌نفع منطقه در پی داشتند پایدار مانده است، به‌گونه‌ای که در هیچ یک از قطعنامه‌های سازمان ملل، چه در مورد تحریم‌ها علیه عراق و چه پس از اشغال عراق، رژیم حقوقی فعلی مورد خدشه قرار نگرفته و حتی به‌طور تلویحی تأیید شده است.

- دوم این‌که هیچ‌گاه ایران چه در دوره قبل از انقلاب و چه در دوران جنگ و بعد از آن این رژیم حقوقی را بی‌اعتبار اعلام نکرده است. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت، ایران حتی در زمان فتح شبه جزیره فاو در عراق نیز که در پی آن بر اروندرود به‌طور کامل مسلط شد، اعلام نکرده که قصد ضمیمه‌سازی سواحل غربی اروندرود به خاک ایران را دارد.

- سوم این‌که رژیم حقوقی فعلی برخلاف شرایط قبل از آن، جامعیت و صراحت دارد. به‌عبارت بهتر، از یک‌سو تعهدات و مسئولیت‌های طرفین و حتی طرف‌های ثالث را در حالت‌های مختلف به‌صورت مبسوط و به صراحت بیان داشته است و از سوی دیگر به همه حوزه‌های موضوعی معتنا به در زمینه این آبراه پرداخته است.



این ویژگی‌ها و اصول حاکم بر رژیم حقوقی اروندرود، الزاماتی را برای طرف‌های دخیل، چه منطقه‌ای چه فرامنطقه‌ای، در پی دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. همه طرف‌های ذی‌نفع، رژیم حقوقی حاکم بر اروندرود را به رسمیت می‌شناسند و اگر اختلافی هم باشد، بر سر تفسیر عهدنامه ۱۹۷۵ خواهد بود، که سازوکار تفسیر نیز در عهدنامه مشخص شده است.

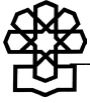
۲. رژیم حقوقی فعلی اروندرود، تنها دو طرف ایران و عراق را دارای حق اعمال حاکمیت، البته در آب‌های سرزمینی خود می‌داند و حتی برای هیچ یک از طرفین و فراتر از آن، برای دولت‌های ثالث تحت هر عنوانی، حق تعرض یا اعمال حاکمیت قائل نیست.

۳. سه ویژگی قطعی بودن، همیشگی بودن و تغییرناپذیری رژیم حقوقی اروندرود هیچ بازنگری در آن براساس تغییر بنیادین اوضاع و احوال و حتی در صورت تغییر دولت و رژیم سیاسی حاکم بر کشورهای ساحلی را برنمی‌تابد.

روندهای کلی امنیتی: ایران، عراق و اشغالگران

روندهای کلی منطقه‌ای در خلیج فارس و در سطحی وسیع‌تر، در خاورمیانه به نگاه امنیتی هر یک از این سه طرف در زمینه اروندرود شکل داده‌اند؛ این وضعیت به‌گونه‌ای است که سیاست آن‌ها نسبت به اروندرود، زیرمجموعه و تابعی از سیاست خارجی کلان آن‌ها می‌باشد که البته متأثر از همین روندهای کلی است.

با توجه به تشدید فشارهای بین‌المللی به‌ویژه غرب به رهبری امریکا علیه ایران،



طبیعی است که ایران احتمال حمله نظامی امریکا را در نظر بگیرد و توجه امنیتی خود را بر قسمتی از نواحی مرزی که بیش‌تر احتمال می‌رود امریکایی‌ها از آن مناطق به ایران حمله کنند متمرکز سازد. موقعیت جغرافیایی اروندرود به گونه‌ای است که در صورت حمله بیگانگان به ایران، احتمال می‌رود مثلثی از اشغالگری، محافظه‌کاری - عربیسم و سیطره‌جویی شکل گیرد و در نتیجه، منطقه اروندرود و نواحی پیرامونی آن در داخل ایران، آسیب‌پذیرترین مناطق در هنگام تجاوز احتمالی خواهند بود: کنترل نظامی و امنیتی عراق در دست اشغالگران امریکایی و انگلیسی است؛ تاریخ دو دهه اخیر نشان داده است که روحیه محافظه‌کاری و قوم‌گرایانه کشورهای عرب منطقه (به‌ویژه در این مورد، کویت و عربستان سعودی)، عدم مخالفت و حتی همراهی آن‌ها با امریکایی‌ها را به دنبال دارد. تداوم اشغالگری امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها حتی در صورت برقراری ثبات نسبی می‌تواند بستری برای آمادگی‌های جنگی امریکا باشد؛ علاوه بر این، سیطره‌جویی امریکایی در منطقه که البته به‌طور ذاتی «خود استعماربخش» شده است، تهدیدی جدی برای ایران به‌شمار می‌آید.

با این اوصاف، یکی از اهداف استراتژیک ایران، این است که اقتدار خود را در حراست از مرزهای سرزمینی خود اعمال نماید.

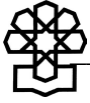
ملاحظات امنیتی دولت عراق و اشغالگران در هم تنیده است. اصلی‌ترین موضوع مورد توجه آن‌ها نحوه تأمین امنیت و ثبات در عراق است. افکار عمومی هر دو طرف بر سیاستمداران عراقی و اشغالگران فشار وارد می‌کند. در یک‌سو، بلر به‌خاطر شکست‌ها و تلفات در عراق آماج نکوهش‌های محافل رسانه‌ای، پارلمانی و افکار عمومی قرار گرفته است به‌گونه‌ای که در حال حاضر مهم‌ترین بحران فراروی کابینه



وی، ناکامی وی در مدیریت صحیح وضعیت امنیتی عراق است.

اما دولت امریکا به علت آن که در محافل داخلی و بین‌المللی، به‌عنوان عامل اصلی جنگ در عراق شناخته می‌شود بیش از متحد انگلیسی در فشار قرار دارد. پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات کنگره، طرح موسوم به **بیکر-همیلتون** که لزوم مشارکت دادن همسایگان عراق (به‌طور خاص ایران و سوریه) در تأمین امنیت و ثبات عراق را پیشنهاد داد، ناتوانی روزافزون نیروهای امریکایی در مقابله با اقدامات تروریستی و مهم‌تر از همه سرسختی بوش و تیم وی در پیشبرد سیاست‌های نظامی‌گرایانه‌اش در عراق و مخالفت با دیدگاه‌های ناموافق به‌گونه‌ای اوضاع را تغییر داده است که اشغالگران به‌علت پافشاری بر سیاست‌های خود، به دنبال رویکردهای خودمحرانه و به‌دور از همکاری و تعامل با طرف‌هایی که می‌توانند به صلح و ثبات در عراق کمک کنند، باشند. این‌گونه سیاست‌ها باعث می‌گردد که همه مسائل را از دید امنیتی بنگرند و به‌صورت یکجانبه درصدد حل معضلات امنیتی برآیند.

در سوی دیگر، دولت نوری‌المالکی در عراق قرار دارد. نوری‌المالکی با طرح ابتکار عمل‌هایی از قبیل **اجلاس امنیتی بغداد**، طرح **امنیتی بغداد** و طرح **حراست از اماکن مقدس شیعه**، سعی در مهار اقدامات تروریستی داشته است، اما عملاً ناموفق بوده است. دولت عراق در این وضعیت از دو جبهه تحت فشار قرار گرفته است: در صورت تداوم ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها، هم با تشدید نارضایتی افکار عمومی عراق مواجه می‌شود و هم در همین مقطع کنونی با فشارهای اشغالگران - که مهم‌ترین عامل ناامنی در عراق، حضور نظامی آن‌ها می‌باشد - دست و پنجه نرم می‌کند، به‌گونه‌ای که دولت امریکا تهدید کرده است در صورت تداوم به اصطلاح «عدم



قاطعیت دولت عراق، نیروهای خود را از شهرها خارج خواهد کرد و وضعیت امنیتی شهرها را به حال خود رها خواهد نمود.

اروندرد: دغدغه‌های امنیتی ایران، عراق و اشغالگران

در حال حاضر، سه طرف در روندهای امنیتی اروندرد درگیر می‌باشند: ایران، عراق، و اشغالگران عراق. هر یک از این طرف‌ها برحسب منافع که برای خود تعریف کرده‌اند و جایگاهی که برای خود قائلند و نیز براساس قدرت و نفوذی که دارند، ملاحظاتی را در نظر می‌گیرند، این ملاحظات را می‌توان در قالب‌های اقتصادی و امنیتی - سیاسی مقوله‌بندی نمود.

ملاحظات ایران: ایران کشوری است که پیشینه‌ای دراز در بهره‌برداری از اروندرد دارد. از یک طرف سواحل طولانی و بندرگاه‌های متعدد ایران در سواحل خلیج فارس و ویژگی‌های انسانی و منابع طبیعی خوزستان که اروندرد بخشی از مرز آن با عراق را تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر، قرابت جغرافیایی آن با کشور بحران‌زده عراق و تهدیدهای ناشی از حضور بیگانگان در این کشور و نیز خلیج فارس، ملاحظات امنیتی - سیاسی و اقتصادی منطقه جنوب غرب کشور را برجسته‌تر ساخته است.

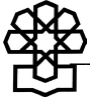
خاک حاصلخیز و جاری‌بودن رودهای پرآب، امکان توسعه کشاورزی در این منطقه را فراهم نموده است. از نظر صنعتی نیز خوزستان یکی از قطب‌های صنعتی ایران است و به‌ویژه در زمینه صنعت نفت، قسمت اعظم درآمد ملی ایران از صنایع نفت واقع در خوزستان تأمین می‌شود. اما علاوه بر این قابلیت‌های بالفعل، فرصت‌های



بی‌همتایی به‌دنبال تغییر رژیم حاکم بر عراق برای اقتصاد این منطقه فراهم شده است. تقویت مبادلات اقتصادی میان خوزستان و استان‌های جنوبی عراق به‌ویژه بصره به توسعه تجارت و اشتغالزایی در این استان کمک خواهد کرد. بندرگاه‌های خوزستان می‌تواند به‌عنوان مبادی ورود کالاهای مورد نیاز عراق برای صدور مجدد به این کشور به‌کار گرفته شوند.

با این حال، به‌رغم وجود این فرصت‌های اقتصادی قابل توجه، دولت ایران با برخی ملاحظات امنیتی - سیاسی نیز روبه‌روست. این ملاحظات باعث گردیده‌اند که حتی توسعه اقتصادی خوزستان نیز به موضوعی امنیتی مبدل گردد. به‌عبارتی، حتی ریشه ملاحظات اقتصادی نیز مسائل امنیتی بوده است. ملاحظات امنیتی ایران در خوزستان عبارتند از:

۱. **بافت قومی:** بخش قابل ملاحظه‌ای از ساکنان خوزستان را عرب‌ها تشکیل می‌دهند. ناهمگونی قومی آن‌ها با بخش اعظم جمعیت ایران و سیاستگذاری‌های دولت خوزستان را با پیچیدگی‌های فراوانی روبه‌رو ساخته است. البته این ناهمگونی قومی در حال حاضر، تهدید امنیتی محسوب نمی‌شود. ولی دو واقعیت باعث گردیده است نگاه امنیتی ایران به بافت قومی خوزستان تشدید شود: نخست این‌که قومیت عرب در خوزستان از لحاظ زبانی با فرهنگ مسلط در ایران متفاوتند و از طرفی هم با تمام کشورهای همسایه اشتراک زبانی دارند. دوم این‌که در حال حاضر طوایفی در خوزستان ساکن هستند که نسبت به طوایف آن سوی مرزهای ایران (یعنی عراق) دارای نسب قبیله‌ای واحدی هستند و پیش از آن‌که مرزهای دولتی به‌صورت تثبیت شده فعلی درآیند در دو سوی مرز در حال رفت و آمد بوده‌اند و چه بسا ممکن است



با تشدید تبلیغات منفی علیه ایران، علقه‌های آن‌ها نیز احیا گردد. البته مذهب تشیع اعراب خوزستان که با گفتمان دینی مسلط در ایران هماهنگی دارد، تا حدی توانسته است این چالش‌های بالقوه را تخفیف دهد.

۲. **ویژگی جمعیتی و انسانی:** ساختار جمعیتی استان خوزستان به گونه‌ای است که نه تنها قسمت اعظم جمعیت استان در شهرها متمرکز هستند، بلکه شهرهای پرجمعیتی در این استان و به‌ویژه در طول مرز آبی ایران با عراق واقع شده‌اند. تأمین امنیت اجتماعی و شهری در شهرهایی از قبیل آبادان و خرمشهر از سوی دولت مرکزی با توجه به هم‌مرز بودن این دو شهر با عراق و وجود تأسیسات بزرگ نفتی در آن‌ها، تشدید اقدامات مرزبانی ایران در حفاظت از حریم آبی اروندرود را به‌دنبال داشته است.

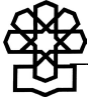
۳. **تأسیسات نفتی به‌عنوان اماکن امنیتی:** پالایشگاه‌ها و تأسیسات نفتی و پتروشیمی اصلی کشور، در استان خوزستان و به‌ویژه در مجاورت اروندرود و نواحی پیرامونی آن در ساحل خلیج فارس قرار دارد (آبادان، بندر امام خمینی و ماهشهر). با توجه به این‌که بخش عمده درآمدهای دولت را درآمدهای نفتی و مرتبط با نفت تشکیل می‌دهد، حراست از امنیت آن‌ها در گرو کنترل نواحی پیرامونی و مخصوصاً مرزهای آبی و ساحلی خوزستان می‌باشد.

۴. **همسایگی با منطقه بحران‌زده:** اروندرود رودخانه‌ای است که منطقه بحران‌زده جنوب عراق بر آن مشرف می‌باشد و این قابلیت را در خود دارد که به‌عنوان راهی برای سرایت این ناآرامی‌ها و پیامدهای منفی آن‌ها به داخل خاک ایران مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. سکونت‌گاه‌های انسانی در دو طرف رود، متراکم و



بسیار به همدیگر نزدیک است. این امر بر پیچیدگی مدیریت مرز مشترک آبی می‌افزاید، چرا که امکان نفوذ خرابکاران به درون خاک ایران و ایجاد ناامنی آن‌ها به‌ویژه در استان خوزستان را تشدید می‌کند.

۵. اروندرود به‌عنوان دروازه خلیج فارس نظامی‌شده: بحران کویت در سال ۱۹۹۱ و اشغال این کشور از سوی رژیم بعثی عراق، نقطه عطفی در پی‌ریزی ترتیبات امنیتی هژمونیک منطقه‌ای در خلیج فارس محسوب می‌شود؛ چرا که نیروهای متحدین به رهبری آمریکا با هدف آزادسازی کویت وارد خلیج فارس شدند و پس از شکست صدام نیز، آمریکا خود، ساختار امنیتی خلیج فارس را شکل داد. اما ساختار امنیتی هژمونیک خلیج فارس به رهبری آمریکا که به بهانه جلوگیری از ناامنی و بی‌ثباتی بنیان نهاد شده بود دارای ترتیباتی ملایم و صرفاً در راستای کنترل شرایط امنیتی بود. یکی از جلوه‌های بارز آن، **استراتژی مهار دوگانه ایران و عراق** از سوی دولت آمریکا محسوب می‌شود؛ حمله آمریکا به عراق این وضعیت را تثبیت کرد و حتی حالت تهاجمی (به‌طور ویژه علیه ایران) به خود گرفت، به گونه‌ای که آب‌های نزدیک اروندرود به عرصه رفت و آمد ناوهای امریکایی بدل گردید. طبیعتاً بعد از عملیات اشغال عراق و به بهانه مقابله با بی‌ثباتی‌های داخلی عراق، حضور ناوهای امریکایی بیش از پیش تداوم یافته است و یکی از نواحی خلیج فارس که بیش‌ترین تراکم حضور نظامی ناوگان امریکایی‌ها در آن وجود دارد، در نزدیکی دهانه اروندرود و حتی آب‌های سرزمینی عراق در اروندرود می‌باشد. این عملاً نوعی تهدید امنیتی علیه ایران محسوب می‌شود که تمرکز توجه نیروهای نظامی و امنیتی و به‌ویژه مرزداران ایران بر اروندرود را ضروری می‌سازد.



این دغدغه‌های ایران آشکار می‌سازند که تحولات منطقه‌ای، تهدیدهای بالقوه علیه ایران و تداوم اشغالگری باعث گردیده‌اند ضرورت تأمین امنیت در مرزهای غرب کشور به‌ویژه حراست از مرز آبی اروندرود، اهمیتی دو چندان یابد به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسد نمود امنیتی آن برای ایران، در برخی مواقع حتی همپایه تنگه هرمز گردد.

ملاحظات عراق

دولتمردان عراقی پس از به دست گرفتن قدرت سیاسی و تصویب قانون اساسی جدید به‌طور عام مبنای سیاست خارجی عراق در قبال کشورهای همسایه را بر عدم مداخله در امور داخلی عراق و البته همکاری همسایگان در زمینه برقراری ثبات و امنیت در این کشور استوار ساختند. در میان همسایگان عراق، تعیین‌کننده‌ترین نقش در تحولات عراق را ایران ایفا می‌کند، چرا که طولانی‌ترین و حساس‌ترین مرزهای مشترک را با عراق دارد و بیش از سایر کشورهای همسایه از ظرفیت کمک به بهبود وضعیت داخلی عراق برخوردار است.

استان‌های جنوبی، یکی از مهم‌ترین مناطق جغرافیایی عراق می‌باشند که می‌توانند منشأ همکاری یا اختلاف میان دو کشور ایران و عراق باشد. ملاحظات جنوب عراق که دولت عراق به دقت در نظر می‌گیرد و تاکنون نیز سیاست‌های خود را در راستای آن‌ها پیش برده است، به نوعی باعث همکاری‌های شایان توجه میان دو کشور شده است، اما نیروهای اشغالگر این‌گونه همکاری‌ها را که از الزامات ملاحظاتی است که در ذیل خواهد آمد، نفوذ و حتی مداخله ایران در امور داخلی عراق تلقی کرده‌اند. ملاحظاتی که دولت عراق در نواحی جنوبی این کشور در نظر می‌گیرد عبارتند از:



۱. **ملاحظات جغرافیایی:** عراق کشوری است تقریباً محصور در خشکی، تنها راه دسترسی این کشور به آب‌های آزاد در چند بندرگاه کوچک عمدتاً نفتی در کرانه خلیج فارس و همین اروندرود است که مرز مشترک ایران و عراق می‌باشد. این محذورات جغرافیایی باعث شده‌اند سیاست عراق مبتنی بر بهره‌برداری از حداکثر ظرفیت‌های سواحل عراق قرار بگیرد؛ این امر بدون همکاری با ایران و دوری از تنش به‌ویژه در مرز اروندرود، امکانپذیر نمی‌باشد.

۲. **ملاحظات اقتصادی - تجاری:** یکی از مهم‌ترین مبادی تجارت خارجی عراق، سواحل اندک این کشور در خلیج فارس است. برنامه‌های بازسازی عراق و ورود حجم بالایی از کالا و تجهیزات مستلزم تنظیم و قاعده‌مندسازی عبور و مرور کشتی‌ها و محموله‌ها می‌باشد، این اقدام نیز بدون همکاری و تعامل با ایران امکانپذیر نیست.

۳. **ملاحظات نفتی:** بخش قابل توجهی از تولید نفت عراق و البته صادرات آن در جنوب این کشور و عمدتاً در پیرامون آب‌های ساحلی و مرزی عراق صورت می‌گیرد.

۴. **ملاحظات جمعیتی:** تراکم جمعیت در جنوب عراق و به‌ویژه استان بصره بسیار زیاد است. تأمین نیازهای ساکنان این ناحیه که اطراف آن، مرزهای حساس و استراتژیک می‌باشد، بدون آرامش و ثبات در مرزهای مجاور که اروندرود یکی از آن‌هاست میسر نمی‌باشد.

ملاحظات نیروهای اشغالگر

نیروهای اشغالگر، با توجه به ماهیت خارجی آن‌ها، حضورشان اساساً میل به سلطه و تحکیم سلطه دارد. این نیروها با هر پویایی که مٌخَلّ سیاست‌های خود در جنوب



عراق بدانند، مقابله می‌کنند. رویکرد آن‌ها در عراق این است که آن‌ها باید حتی تا آینده دور نیز (هر چند به‌طور غیررسمی) تعیین‌کننده‌ترین نیرو و تأثیرگذارترین عنصر در روندهای موجود عراق باشند. منافع آن‌ها حکم می‌کند که هیچ کشور دیگری، حتی به‌صورت اندک، در تحولات جنوب عراق نقش پرستیززا را ایفا نکند.

«استراتژی پیشدستی» که مبنای استدلال تجاوزگری آن‌ها را تشکیل می‌دهد حتی به نحوه اداره عراق نیز کشیده شده است. ملاحظات اشغالگران، بیش‌تر معطوف به مبارزه با تروریسم و جلوگیری از ورود تسلیحات قاچاق به عراق می‌باشد. اما در واقع، براساس استراتژی پیشدستی که آن‌ها دنبال می‌کنند، حتی تعرض سرزمینی و اقدامات جاسوسی غیرقانونی را نیز در دستور کار آن‌ها قرار می‌دهد. در این راستا، مبارزه با تروریسم و جلوگیری از ورود تسلیحات در مرزها و آب‌های مرزی جنوب عراق، بیش‌تر سرپوشی برای نه مهار ایران، بلکه جلوگیری از نفوذ و حضور ایران در جنوب عراق می‌باشد. اقدامات و نیز گفته‌های نظامیان دستگیر شده انگلیسی نیز مؤید این امر است.

پیشنهاد‌های سیاستگذاری

حال با توجه به این روندها سؤال این است که ایران در زمینه نحوه حراست از آب‌های سرزمینی ایران در اروندرود و مرزهای خاکی جنوب غرب ایران، چه سیاست‌هایی را باید در پیش گیرد تا منافع ایران در جنوب عراق به نحو مطلوب تأمین گردد؟

در این رابطه تمهیدات ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. دولت ایران در زمینه کنترل مرزی، چه آبی و چه خاکی، طرف خود را نه



نیروهای اشغالگر، بلکه دولت عراق بداند. چرا که پس از تصویب قانون اساسی عراق، حاکمیت ملی و دولت منتخب عراق در مجامع بین‌المللی و از سوی جامعه بین‌الملل شناسایی شد و قطعنامه‌های سازمان ملل نیز بر آن تأکید داشته‌اند. در هنگام اختلافات و موارد تعارض بر سر کنترل مرزها نه نیروهای اشغالگر، بلکه «دولت عراق» مسئولیت دارد، زیرا در قطعنامه‌های اخیر شورای امنیت در زمینه عراق (نمونه بارز: قطع‌نامه ۱۷۲۳) تأکید شده است که نیروهای اشغالگر با رضایت دولت حاکمیت‌دار عراق در این کشور حضور نظامی دارند.^۱ از این رو در هنگام هرگونه تعرضی از سوی نیروهای اشغالگر به قلمرو ایران، دولت ایران می‌باید طرف عراقی را پاسخگو بداند.

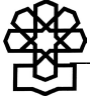
۲. برای تحکیم هرچه بیش‌تر رژیم حقوقی اروندرود لازم است ایران مواد اجرا نشده پروتکل مرز آبی عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر را که به علت شرایط زمانی خاص ناشی از تحریم‌های اقتصادی، مناطق پرواز ممنوع و اشغالگری و جنگ عراق مغفول مانده با شدت هر چه تمام‌تر پیگیری نماید. تمهیدات می‌توانند شامل موارد ذیل باشند:

- برنامه مشترک برای تأمین امنیت و تداوم کشتیرانی،
- ایجاد دفتر مشترک هماهنگی براساس موافقتنامه ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ در زمینه مقررات کشتیرانی.

• قاعده‌مهندسازی کنترل بهداشتی اروندرود،

• لایروبی اروندرود در جهت تسهیل کشتیرانی.

۱. در مقدمه قطع‌نامه ۱۷۲۳ آمده است: با پذیرش اهمیت رضایت دولت حاکمیت‌دار عراق به حضور نیروهای چند ملیتی و هماهنگی و همکاری نزدیک میان نیروهای چند ملیتی و آن دولت ...



۲. همه این تمهیدات در راستای تعقیب استراتژی اقتصاد - محور و در هماهنگی با ملاحظات اقتصادی عراق صورت می‌گیرد. اقدام‌های متعاقب تسهیل و قاعده‌مهندسازی کشتیرانی، رونق بخشیدن به تجارت با عراق می‌باشد. از آن‌جا که حضور اشغالگران در عراق به وسیله قطعنامه‌های سازمان ملل قانونمند شده است، پیشنهاد می‌شود رویکرد ایران معطوف به تقویت حضور اقتصادی در جنوب عراق و تشدید مبادلات اقتصادی از راه اروندرود باشد. تحکیم حضور اقتصادی ایران در بصره امکان سیطره کامل و همه‌جانبه اشغالگران در جنوب عراق را در راستای منافع ایران با چالشی اساسی مواجه خواهد ساخت. این استراتژی از یکسو، در تعارض با ملاحظات اقتصادی دولت عراق نیست و از سوی دیگر به توسعه اقتصادی خوزستان نیز کمک خواهد کرد.



منابع و مأخذ

۱. فرشادفر، ناصر، نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۶.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۸۲.
۳. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸.
4. UN Security Council Resolution 1723, in / www.isn.eth2.ch
5. Shatt-al-Arab: danger Zone between Iraq and Iran, in / www.Turkishpress.com/, 3/23/2007.
6. ICE Case Studies, Iran-Iraq war and Waterway Cloirms, in/ www.American.edu.
7. Aruandroud/ Shatt-al-Arab, in/ www.wikipedia.org
8. Shatt-al-Arab: A Survey of Wars and Treaties, in / www.Defensejournal.com.
9. Simon Henderson, Incident in the Shat al Arab waterway: Iran's Border Sensitivities, in /www.Washington.stitute.org.
۱۰. شریف، محمد، بازداشت ملوانان انگلیسی و نظام حقوقی مرزهای آبی ایران، در: www.magiran.com
11. James Dense low, Iraq's Borders: Post-war Dynamics in Historical Context, in / www.caabu.org.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۸۳۳۶

عنوان گزارش: اروندرود و سیاست‌های منطقه‌ای

Report Title: Arvandrud and Iranian Foreign Policymaking

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: روح‌ا... طالبی آرانی

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: _____

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. تعرض انگلیسی‌ها (British Invasion)

۲. اروندرود (Arvandrud)

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۲/۲۳